

جهان بینی از نظر فلسفه علمی

دانشجویی از من پرسش نمود که دلیل وجود خدا و فلسفه دین و نشان نزول صحف آسمانی چیست؟ آیا حقیقه خدا و ماوراء الطبیعه ای وجود دارد؟ یا اینکه این عناوین مانند سایر مواید اجتماع ساختگی و یا باصطلاح يك پدیده مادی است؟ ..

ماتریالیست ها میگویند «دیانت هم از مادیات که مولد اساس علم و صنعت است بوجود آمده و دوره های میتولوژی و آلهیات را از اعصار خدایان و ارباب انواع و دوران شرك و بت پرستی و پرستش مظاهر طبیعت و خورشید و ماه و گوساله را در نور دیده و بدوره یکتا پرستی که مخلوق پندار آدمی میباشد رسیده است» آیا این مطالب صحیح است؟ ...

پاسخ این پرسش ها از لحاظ طرز تفکر مکتب های مختلفه دینی و سیاسی در دنیای آشفته امروز یکسان نیست و با اینکه میخوابند چنین وانمود کنند و جلوه دهند که در اجتماعات امروزه جهان اختلافات در دو وصف متمایز و متخاصم جای گرفته از یکسوی خدا پرستی و ایمان بمیداء و معاد و ماوراء الطبیعه نمایان است و از طرف دیگر بیدینی و اصول خشک و عبوس ماتریالیستی حکمفرمایی میکند معذالك در جوامع انسانی اختلافات و مناقشات خارج از حد وصف است.

این دوجبهه که یکی خود را معتقد و مومن بخدای میداند و دیگری که راه انکار و الجاد را میپیماید هر دو طرف در زمان ماعقاید خود را با پوشاك مسلکی و سیاسی گرم کرده یکی دموکراسی را عنوان حکومت قرار داده و دیگری بانهایت تعصب پای بند اصول سوسیالیسم افراطی گشته و هر کدام در باره یکدیگر مطاعن و در باره خود مناقب و فضائل را می شمارند و علوم و فلسفه در میان آنها بازبچه است.

همین انحراف از اصول تحقیقی و علمی و ماده پرستی و حفظ مصالح خصوصی هر دو طرف

در تفسیر حقایق است که با فراطیون قوت میدهد و کمک بیشتری مینماید که به نسل جوان بگویند و ثابت نمایند (همه امور تابع اصول اقتصادی و زائیده نیازهای مادی است).

جوانان ما باید بدانند که تا اوضاع آشفته گیتی و بحرانهای فکری و سیاسی آرامش پیدا نکند فلسفه و علوم و صنایع در میان کلیه صنوف و اجتماعات ملعبه هوی و هوس و دستخوش افکار اهریمنی است. چه آن صوفی که خود را بظواهر علاقمند بدین معرفی میکنند در هر محل و مقام که اقتضا نماید پشت بدیانت کرده پیشرفت مقاصد خصوصی را بر اجرای عدالت که اساس دیانت است رجحان مینهند.

باید گفت دنیا از لحاظ فلسفه یک وضع ارتجاعی بازگشت کرده و مکتب سوفسطائیان از نو جانی گرفته و رونقی پیدا کرده اند

سوفیست ها یا سوفسطائیان در سده پنجم قبل از میلاد در یونان ظاهر شدند و عبارت از آن دسته از متفکرین و دانشمندی بودند که کشف حقیقت و راهنمایی بسوی معرفت را ضرور ندانسته بلکه تعلیمات آنها در فن مناظره و جدل بوده و برای غلبه بر حریف و پیشرفت مقاصد در امور دینی و سیاسی از هر علمی آن قسمت هایی را که بنفع موضوعها و مطالب خود میافتند جدا کرده و با فن سفسطه مخالف خود را شکست میدادند.

پروتوگراس Protagoras از سوفسطائیان و از اساتید مکتب آنان است پروتوگراس بواسطه تسلط در علوم و حسن بیان طبقه جوان را مجذوب و بآنها تعلیم میداد که « انسان برای ادراک امور جز حواس خود وسیله ای ندارد و تعقل اگر بر مدارک حسیه نباشد بی اساس و چون ادراک حواس هم در اشخاص مختلف است بنابراین آنچه درک میکنیم حقیقت نیست یعنی حقیقتی وجود ندارد. »

سیاستمداران عصر اتم هم متفکرین و دانشمندان خودشان را در تمام صنوف تابع مکتب سوفیزم کرده و آنها را عادت دادند که نیروی تبایغ و غلبه بر حریف را بر اساس سفسطه و مغالطه استوار سازند.

بنابراین در همان حال که عقل و حس و منطق را شاهد گفتار خود قرار میدهند در طرز استدلال روی اصول علمی صادق نیستند و برای پیشرفت سیاست خاص و کرسی نشاندن سخنان خود در کتب تاریخ و علوم و فلسفه و دین جستجوی میکنند تا مطالبی را بسود خود پیدا کنند

و در هر جا کلمات و جملاتی را مطابق مقصود نیافتند بر اصل بحر فون الکلام عن مواضعه رفتار کرده و هر جا هم لازم دیدند بنام کتابهای آسمانی و سخنان بزرگان و فلاسفه بمصداق بکتبون الكتاب باید بیهیم تم بقولون هذامن عند الله موضوعاتی را جعل و شاهد مدعا قرار میدهند.

در دوران ما دوقوه متخصص یکی باسفسطه میخواهد ریشه عقاید را در موضوع خدا و دین و معاد از بیخ و بن در آورد و دیگری باوقوف بقوه دین و اخلاق این طور فکر میکند که اگر بنخواهد اعمال و سیاسات خود را با دین وفق دهد و اصل تساوی و عدالت را در عمل به پذیرد بر ثروت و هستی اقوام و ملل نمیتواند تسلط پیدا کند.

این است که نام خدا و دیانت و عدالت را وسیله و اسلحه قرار داده و بمقدسات صورتاً تا آنجائیکه منافع او اقتضا میکند و سد مطامع و مقاصد او نگردد و احترام میگذارد...

از این لحاظ و بعلمت اختلاف قول و فعل و اینکه در جهان مقدسات و حقایق بازیچه شده نسل جوان که فطرت نیکی دارد در تمام گیتی حیران و سرگردان و در این محیط آشفته که از يك سوی تبلیغات تند و دامنهداری برضد معانی و دیانت میشود و از سوی دیگر دیانت وسیله است نه هدف و کمال مطلوب. نسل جوان بهمه چیز بدین وعاصی و یاغی و خصم و موجودیت های دینی و ملی و علمی پرورش مییابند.

آثار سوء اقتصادی و اخلاقی در جنگ مخرب و عمومی در فواصل کوتاه در کمتر از نیم قرن و تجهیزات خوفناك روز افزون و آماده گی اغلب کشورها برای حمله و دفاع و اینکه در این زندگانی متزلزل و پر از بیم و اندیشه امید دوام و بقائی وجود ندارد هم روی اصل - دم غنیمت است - برنامه حیاتی را نگاه میکنند.

تربیت فکری و علمی اجتماعات تابع احتیاجات خاق الساعه است و مر بیان و مصادر امور ملل روی اوضاع و احوال جهان نمیتوانند برنامه ثابت در اصول عقاید داشته باشند - ما هم کم و بیش تحت تاثیر غوغای جهانی قرار گرفته ایم و چون در فرهنگ از لحاظ کسب صناعت و اختراعات فنی نیازمند اروپا شده ایم بناچار عوامل موثره آشفنگی ها از نظر علمی و سیاسی در افکار جامعه ما هم نفوذ میکند و اثر تلخ خود را آشکار میسازد

و اما نکته ای که لازم است نسل جوان بدانند این است که عداوت و خصومت بادیانت

و افکار آفریننده و مبداء و معاد از ابداعات و سیر علوم و فنون عصر جدید و دوره ترقی نیست. در هزاران سال پیش در هندوستان فلسفه ناستیکا Nastika در برابر عرفان استیکا Astika خود نمائی میکرد

ناستیکا آنچه در حدود حواس پنجگانه و از تجربه و تجزیه مادیات بدست میامد صحیح مینداشت و مجردات و معقولات را رد میکرد و طرفداری کامل برای استفاده از مشتیات می نمود.

استیکا از عقول و الهامات حکماء بر اساس گفته ویدا سرچشمه میگرفت و دانش را را با تفکر و ریاضت و خدا پرستی و نوع دوستی و ترك شهوات و لذات توأم میکرد و علاوه بر حواس پنجگانه بقیاس و استدلال و اشراق و بآن نیروئی که امروز حس ششم میخوانند اهمیت کامل میداد

چارواکه یکی از شعب ناستیکا و مذهب مادی است. چارواکی میگوید هر چه هست این است که دیده میشود.

(زندگی و مرگ دوشکل مادی است - در یکی پیوستگی و در دیگری از هم پاشیدن و جدا شدن است - اشیاء از صورتی بصورتی بر میگردد از حالی بحالی تغییر میابد گناه و ثواب - سزا و جزائی در کار نیست هر که هر چه میکند باقتضای طبیعت و ساخت اوست وجود خدائی که خدا پرستان عقیده دارند افسانه ای است. آنچه ما می بینیم بنا به خاصیتی است که در اصل ماده صورت گرفته و خواهد گرفت و نیازمند آفریننده نیست عبادت و مذهب و نذر و نیاز همه من در آورده روسای ادیان است که میخواهند از سادگی و ابلهی مردم استفاده کنند).

(اقتباس از کارنامه پروفیسور مهرین)

این طرز فکر که در هزاران سال قبل در هندوستان در مکتب مادیون در برابر مذهب حکماء ربانی تدریس میشد آدمیان از لحاظ عام و صنایع و رشد عقلی و فرهنگ در درجه هاروز نبودند و وسائل و وسائط ترکیب و تحلیل و تجزیه ماده فراهم نبود چارواکی کتاب مکتب مادی را از ماتریالیست های زمان ما بهتر توجیه و تفسیر کرده است و بنا بر این عقاید و

نظریات ماتریالیسم هیچ ارتباطی با سیر علوم و فنون و ترقیات علمی و فنی ندارد و کوشش ایندسته از این راه که میخراهند بگویند معتقدات مادیون يك اصلی است که از تکامل علمی و سیر و کمال معارف انسانی بوجود آمده و بی سابقه است بی اساس و مغالطه آمیز است .

در یونان هم بین حکما و آلهی و فلاسفه مادی مناظره و مشاجره وجود داشته و این مباحث در تمام دوره های تاریخ و سیر علوم و فنون جزء اساس دانش بینش بوده و در دیانت مسیح (ع) رخنه کرده و کلیسا برای پاسخ دادن به ملحدین بوضع اسکولا نستیک مبادرت ورزیده و در تاریخ اسلام بعد از آنکه در دوره خلفای عباسی کتب یونانی بزبان عربی ترجمه شده و باب سؤال و جواب گشوده گردید دانشمندان اسلامی که اغلب ایرانی بودند بخواندن متن کتابهای یونانی رغبت شایانی نشان دادند و با فهم موضوع گفتارهای مادیون از کتاب آسمانی الهام گرفته از طریق علم و عقل و حس پاسخ آنها را دادند و علم کلام را تأسیس نمودند .

در یونان میان ارباب حس و مشاهده (طبیعیون و مادیون) روی وجوه ماده و اصل و حقیقت اشیاء و توجیه چگونگی آثار طبیعت مباحث زیادی در گرفته و سقراط پاسخ دندان شکنی بهمه آن خلیجانها و کمراهی ها داده است .

سقراط (معاصر داریوش دوم پادشاه ایران) میگوید : در انسان قوه عاقله ای هست در عالم نیز چنین قوه موجود است ، عالم نظام دارد و بی قاعده و بی ترتیب نیست ، هر امری را پایانی است و ذات باری غایت و پایان وجود است و نمیتوان مدار امور عالم را بر تضاد و اتفاق فرض نمود .

در دنباله مکتب سقراط در کلیه دوره های تاریخی در دفتر فلسفه و حکمت شرق و غرب هر گاه مادیون بمناسبت زمان نغمه نوی ساز کردند حکماء و فلاسفه پاسخ آنان را داده اند که در کتب فلسفه و کلام درج است

پاسکال (۱۶۲۳ - ۱۶۶۲ م) Pascal میگوید : روح و عقل انسان گرفتار تن و تابع تمایلات و نفسانیات است خطاهای انسانی از حواس است ، آنچه بوسیله حواس درك میشود خواص موجودات میانکار دغافل از اینکه اینها عرض است و هر فعلی در عالم واقع میشود از خداوند

است و غیر خدا چیزی علت حقیقی معلولات نیست و ذات باری اثبات لازم ندارد. وجودش بدیهی است و علم انسان بهستی او ضروری است.

اسپینوزا Spinoza (۱۶۳۲ م) میگوید «خدا جوهر است قائم بذات و جاوید و واجب الوجود، یگانه و تغیر ناپذیر و نامحدود»

لایبنز Leibniz (۱۶۴۶ م) میگوید «نظام عالم محتاج است باینکه وجودی با علم و قدرت و کمال نامتناهی این نظام را برقرار کرده باشد»

ایمانوئل کانت Immanuel Kant (۱۷۲۴ م) میگوید «عقل چون در موجودات تأمل کند خود را نیازمند بوجود واجب الوجود می بیند و رشته معلولات را بعلمتی که خود معلول نباشد منتهی نماید»

منتسکیو Montesquieu (۱۶۸۹ م) میگوید «آنهایی که گفته اند قضا و قدر علت پیدایش تمام آثاری است که ما در جهان می بینیم باید بآنها گفت که قضا و قدر و یا سرنوشت بدون شعور موجودات شاعر و باهوش بوجود نمیآورد. يك علت اصلی باشعور برای وجود این آثار وجود دارد و آن خدا است که آفریدگار و نگهبان عالم است ...»

روسو Rousseau (۱۷۱۲ م) میگوید «حرکت گیتی مولود يك اراده خارجی است قوانین و هم آهنگی کاملی که بین قسمت های مختلف جهان وجود دارد مجسم میسازد که نظامات گیتی تابع يك قدرت بی پایان و عقل کل است - این عقل خود خدا است - خدا ازلی و ابدی است قبل از هر چیز بوده و باقی خواهد بود»

البرت انشتین علامه معروف و صاحب نظر و بلند مقام معاصر میگوید «من مهمترین وظیفه عالم هنر را عبارت از این میدانم که احساس دینی را همیشه زنده نگاهدارد»

رد اوراق ضاله از مبادی فلسفه شرق و دین درخور گنجایش این صفحات نیست و مجموعه و رساله جداگانه ای میخواهد گفتار خود را باین قطعه شاعر فردوس مقام پایان میدهم که فرمود:

مهر این گردش جاودانی سپهر	خرا میدان اختر و ماه و مهر
سرا پرده این چنین سرسریست	مپندار کارایش خود سرپست

در این پرده يك رشته بيكار نيست
سر رشته را آن كسي يافته است
و ان من شى الا يسبح بحمده
ما سميعيم و بصير و به هشيم

سر رشته بر كس پديدار نيست
كه خود رشته را اين چنين بافته است
و لكن لا تفقهون تسبيحهم
با شما نامجرمان ما خامشيم



گفتار فوق كه بقلم دانشمند محترم آقاى جناب زاده در تحت عنوان جهان بينى از نظر
فلسفه علمى در رد شبهات ماديون نوشته شده و مطالعه آن براى كسانيكه فكرشان را مخالفين
متوجه شبهات باطله ماديون نموده اند بسيار مفيد است و از آقاى جناب زاده انتظار داريم اين
موضوع را تعقيب و بدنباله اين مقاله سودمند با خامه شيوای خود ادامه دهند .

دارالسلام

ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی